

## *Research Article*

### *Jurisprudential and legal review of the positive and negative points of giving points to martyrs*

Seyed Jafar Moosavi<sup>۱</sup>, Hormoz Asadi Koh Bad<sup>\*۲</sup>, Seyed Hassan Hoseyni<sup>۳</sup>

Received: ۲۰۲۳/۰۹/۰۳

Accepted: ۲۰۲۳/۱۰/۲۲

#### **Abstract**

The issue of granting privileges to respected martyrs is one of the issues whose origins are less investigated and neglected from the point of view of jurisprudence and law; Therefore, following the central question of this issue, what are the principles of granting material and spiritual privilege to martyrs, its principles were investigated and analyzed with a descriptive-analytical method and by examining jurisprudential and legal findings. Therefore, in the fields of Quranic reasons, jurisprudence rules and legal rules, its basics were introduced. The results of these investigations include the need to pay attention to the Mujahideen, the rule of al-Kharaj Balzaman, Al-Ghanam Balgarham, the connection between the understanding of property and objects, along with the issue of the government's responsibility based on the benefit caused by the risk, and citing the necessity of non-cruelty, as well as the transnational and common theory of using veterans and honoring them can be considered as the most important theoretical foundations of granting Privileges should be introduced to the honorable martyrs. In terms of the innovation of this research, it can be stated with others that no research has been reviewed that has introduced the theoretical basis of giving privileges to martyrs in a general and comprehensive manner. And therefore, the current research in the investigations has resulted in crediting the rights of precious martyrs.

**Keywords:** al-kharaj balzaman, civil responsibility of the government, the law of martyrs, the necessity of non-cruelty.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

<sup>۱</sup> -PhD student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran: qqjafar@gmail.com

<sup>۲</sup> -Associate Professor, Department of Law, Ramhormoz branch, Ramhormoz, Islamic Azad University, Iran (corresponding author) asadi.koohbad@gmail.com

<sup>۳</sup> -Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran: hoseyni<sup>۱۳۴۴</sup>@gmail.com

## مقاله پژوهشی

### بررسی فقهی و حقوقی نکات مثبت و منفی اعطای امتیاز به ایثارگران

سیدجعفر موسوی<sup>۱</sup>، هرمز اسدی کوه باد<sup>۲</sup>، سیدحسن حسینی<sup>۳</sup>

#### چکیده

مسئله اعطای امتیاز به ایثارگران محترم از جمله مسائلی است که مبادی آن کمتر بررسی و از منظر فقه و حقوقی مغفول مانده است؛ لذا در پی سؤال محوری این مسئله که مبادی اعطای امتیاز مادی و معنوی به ایثارگران کدامند، با روش توصیفی - تحلیلی و با فحص در یافته های فقهی و حقوقی مبانی آن بررسی و تحلیل گشت. از این رو در حوزه های دلایل قرآنی، قواعد فقهی و قواعد حقوقی مبادی آن معرفی شدند. دستاورد این بررسی ها شامل لزوم توجه به مجاهدین، قاعده الخراج بالضمن، الغنم بالغرم، ملازمه بین درک اموال و نمائات، در کنار مسئله مسئولیت دولت بر مبنای نفع ناشی از خطر، و استناد به لزوم عدم ظلم، هم چنین نظریه فراملی و مشترک استفاده از کهنه سربازان و تقدیر از آنان می تواند به عنوان مهم ترین مبادی نظری اعطای امتیاز به ایثارگران محترم معرفی گردد. در وجه نوآوری این پژوهش با سایرین می توان بیان نمود که هیچ پژوهشی که به صورت کلی و جامع مبادی نظری اعطای امتیاز به ایثارگران را معرفی نموده باشد، بررسی نشده است و لذا پژوهش جاری در بررسی ها در اعتبار دهی به حقوق حقه ایثارگران گرانقدر حاصل شده است.

**واژگان کلیدی:** الخراج بالضمن، مسئولیت مدنی دولت، قانون ایثارگران، لزوم عدم ظلم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

۱- دانشجوی دکترای تخصصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران: qqjafar@gmail.com  
 ۲- دانشیار گروه حقوق، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران (\*نویسنده مسئول): asadi.koohbad@gmail.com  
 ۳- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران: hoseyni1344@gmail.com

## گفتار اول: نگرش تقنینی به اولویت ایثارگران

مهم‌ترین قوانین استخدامی، که بر اساس مبانی فقهی و نظر فقها پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تصویب رسیده است و می‌توان به عنوان مستندات قانونی اولویت ایثارگران ذکر کرد. قانون راجع به معافیت آن عده از معلولان انقلاب اسلامی ایران که قادر به کار هستند؛ ماده ۱۴ قانون استخدام کشوری مصوب «ج» هم‌چنین افراد خانواده شهدا و معلولان از شرایط ۱۳۶۱/۶/۱۶ مجلس شورای اسلامی (معافیت از شرط مدرک تحصیلی دوره ابتدایی است)؛ از شرایط عمده این ماده واحده که در تبصره یک آن آمده این است که دستگاه‌های ذیربط موظفند وسایل سوادآموزی این قبیل افراد را در ضمن خدمت فراهم کنند. افراد استخدام شده نیز موظفند در فاصله چهار سال پایان‌نامه تحصیلات ابتدایی را به دست آورند و در غیر این صورت از ترفیع اضافه حقوق محروم خواهند بود. بصره ۶۰ قانون بودجه سال ۱۳۶۴ کل کشور مصوب مجلس شورای اسلامی: به موجب این قانون استخدام رسمی یا ثابت و غیر رسمی برای تمام مشاغل به استثنای مشاغل آموزشی و بهداشتی و درمانی و... ممنوع است؛ اما بلافاصله در بند (ب) همان تبصره، جانبازان و فرزندان شهدا از ممنوعیت فوق مستثنی شده‌اند. قانون الزام دولت جهت استخدام ده درصد از پرسنل مورد نیاز خود از بین جانبازان انقلاب مجلس شورای اسلامی: به موجب این قانون مصوب ۱۳۶۴ تمام دستگاه‌های اسلامی و بستگان شهدا که به نحوی از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند، مکلفند ده درصد از کارکنان خود را از بین این عزیزان انتخاب کنند. به صورت خلاصه قوانین مرتبط با بهره‌بری ایثارگران می‌تواند به صورت ذیل آنها را بیان نماید. در قوانین ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی قوانینی در راستای حمایت از ایثارگران به تصویب رسید. اولین قانون حمایتی در این باره در مورخ ۱۳۶۱/۰۶/۱۶ تحت عنوان «قانون راجع به معافیت آن عده از معلولین انقلاب اسلامی که قادر به کار می‌باشند. هم‌چنین افراد خانواده شهدا و معلولین از شرط بند ج ماده ۱۴ قانون استخدام کشوری»، به تصویب رسید. طبق این قانون، آن عده از معلولین انقلاب اسلامی ایران که قادر به انجام کار (در مواردی) می‌باشند، هم‌چنین افراد خانواده شهداء و معلولین انقلاب اسلامی ایران که دارای حداقل شرط تحصیلی مندرج در بند "ج" ماده ۱۴ قانون استخدام کشوری نمی‌باشند، برای ورود به خدمت رسمی در وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شهرداری‌های مشمول قانون مزبور با موافقت وزیر یا رئیس دستگاه مربوط از شرط مذکور معاف خواهند بود و از وجود آنان در مشاغل رسته خدمات و فنی و حرفه‌ای استفاده خواهد شد. سپس در سال ۱۳۶۳ تحت عنوان «ماده واحده قانون الحاق سه تبصره به قانون راجع به معافیت آن عده از معلولین انقلاب اسلامی که قادر به کار می‌باشند، هم‌چنین افراد خانواده شهدا و معلولین از شرط بند ج ماده ۱۴ قانون استخدام کشوری»، به تصویب رسید. با این قوانین فقط به حمایت از معلولان و زندانیان و مفقودان دوران انقلاب یا جنگ از طریق معافیت از حداقل مدرک تحصیلی و ساز و کارهای تأمین اجتماعی و بیمه می‌پرداختند. هم‌چنین مجلس شورای اسلامی در مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۳ «قانون الزام دولت جهت استخدام ده درصد از پرسنل مورد نیاز خود از بین جانبازان انقلاب اسلامی و بستگان شهداء» را به تصویب رساند. براساس این قانون کلیه وزارتخانه‌ها، نهادهای انقلاب اسلامی، مؤسسات و شرکت‌ها و کارخانه‌های دولتی و بانک‌ها و شهرداری‌ها و کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند، موظفند از تاریخ تصویب این قانون، حداقل ده درصد از پرسنل مورد نیاز خود را از بین جانبازان انقلاب اسلامی و فرزندان شهداء، اسراء، مفقودین و جانبازان از کار افتاده، در صورتی که افراد واجد شرایط در میان آنان وجود داشته باشد، با رعایت سایر مقررات مربوطه ضمن هماهنگی با بنیاد شهید انقلاب اسلامی تأمین

نمایند. بعدها در سال ۱۳۶۷ نیز مجلس شورای اسلامی «قانون استخدام جانبازان» را به تصویب رساند. بر اساس این قانون جانبازان از امتحانات کتبی معاف و برای خدمت در دستگاه‌های دولتی فقط گزینش صورت خواهد گرفت. البته قوانین متعدد دیگری نیز در حمایت از جانبازان و ایثارگران به تصویب مجاس شورای اسلامی رسید که مهم‌ترین این حمایت‌هایی قانونی عبارتند از: ۱- اولویت برای استخدام در مشاغلی که تجربیات دوران خدمت نظام در آنها مؤثر است (قانون استخدام ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۷/۷/۷) ۲- حفظ شغل حتی با از دست دادن بخشی از توانایی لازم برای انجام شغل (بندالف و ب ماده ۱۰۸ قانون استخدام ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۶/۷/۷) ۳- اعطای ارشدیت (۱۰۹ ماده قانون استخدام ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب، ۱۳۶۷/۷/۷ مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب، ۱۳۷۰/۷/۲۱) قانون استخدام وزارت اطلاعات مصوب، ۱۳۷۴/۴/۲۵ قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۱/۱۷ ۴- حفظ حقوق و مزایای اشتغال (ماده ۱۴۵ و ماده ۱۵۷ و تبصره آن قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۶۷/۷/۷) ۵- محاسبه دوران خدمت نظام در محاسبه میزان تجربه و بازنشستگی (ماده ۶ قانون تسهیلات استخدامی و جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۲/۳۱). ۶- منظور نمودن حق تقدم برای ادامه خدمت در موقع کاهش نیروی کار سازمان (ماده ۶ قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی دستگاه‌های دولتی مصوب ۱۳۶۶/۱۰/۲۷) ۷- قرارداد دادن ایثارگران درصد در فهرست افراد واجد شرایط بدون آن که امتیازاتی که به دست می‌آوردند در نظر گرفته شود (قانون گزینش معلمان و کارمندان آموزش و پرورش مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴) ۸- داشتن اولویت برای استخدام در دستگاه قضا در فرض دارابودن شرایط مساوی (ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی قانون گزینش و استخدام قضات مصوب ۱۳۷۹/۱/۳۱) ۹- انتخاب محل خدمت به اختیار کارمند در دستگاه قضاء (همان) اولویت در تبدیل وضعیت از قراردادی، پیمانی و غیره به رسمی (تبصره ماده ۲۶ قانون حمایت از آزادگان پس از ورود به کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۲) ۱۱- احتساب مدت اسارت به میزان دو برابر (همان). ۱۲- احتساب مدرک تحصیلی بالاتر در پرداخت حقوق و مزایا.

مجلس شورای اسلامی با هدف تجمیع قوانین متعدد در راستای حمایت از جانبازان و ایثارگران در مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۴ «قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران» را به تصویب رساند. طبق این قانون حمایت از ایثارگران، جانبازان و خانواده‌های معظم شهدا در چند فصل پیش بینی شد: حمایت از مسکن با تسهیلات خرید یا ساخت مسکن، رسیدگی به وضع بهداشت و درمان، تسهیلات اداری و استخدامی، اشتغال و کارآفرینی، معیشت و رفاه و امور فرهنگی، آموزشی، ورزشی و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت.

### بند اول: قانون جامع خدمت رسانی به ایثارگران

اولین اصل در تدوین یک قانون پویا و جامع تبیین اصول حاکم بر قانون است. در واقع اگر اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی در مورد جامعه هدف وجود نداشته باشد و یا در صورت وجود در تدوین قانون رعایت نگردد، آن قانون نه تنها کارآمد نخواهد بود، بلکه در خوشبینانه‌ترین حالت منجر به متروکه شدن قانون به دلیل عدم قابلیت اجرائی آن می‌گردد. به عنوان نمونه اگر محورهای اصلی متوازن در نظر گرفته نشود، می‌تواند موجب آسیب‌های جدی، گردد. چیزی که می‌توان در قانون جامع و حتی برنامه پنجم توسعه دید. مثلاً عدم توازن جنبه‌های فرهنگی با اقتصادی که اگر یکی مسائل مادی ایثارگران را مرتفع سازد، به دلیل عدم توجه کافی به بخش دوم، نیازهای معنوی به خوبی برآورده نمی‌گردند.

بر خلاف قوانین، تکمیلی در مواردی رعایت مفاد قانون به حدی در نظر قانون گذار اهمیت دارد که به هیچ عنوان نمی‌تواند نقض آن را برتابد و در نتیجه به مردم که علی‌الاصول مکلف به اجرای قانون هستند، اجازه نمی‌دهد خلاف آن توافق و عمل کنند. به عنوان مثال؛ مقررات جزائی هر کشور از این ویژگی برخوردار است و توافق افراد در برابر آنها فاقد هرگونه اثر حقوقی است.

هیچ کس نمی‌تواند با توافق با دیگری به او مجوز ارتکاب یک عمل مجرمانه مثلاً توهین یا ضرب و شتم را اعطاء کند. از مصادیق قوانین آمره در نظام حقوقی ایران می‌توان از قوانین حمایتی از جمله قانون جامع ایثارگران نام برد. لذا هیچ یک از دستگاه‌های اجرائی و یا اشخاص حقیقی و یا حقوقی که موظف به اجرای این قانون هستند، نمی‌توانند در قالب توافق‌هایی که با افراد ایثارگر می‌کنند، از اجرای آن به دلیل قبول و رضایت خود فرد شانه خالی کنند. این گونه توافقات و شروط که بعضاً در روابط حقوقی فی مابین صورت می‌گیرد، فاقد هرگونه اثر حقوقی است و می‌تواند منجر به مسئولیت انضباطی و حتی کیفری مدیر مربوطه نیز بگردد که پرداختن به آن خود مقوله جداگانه‌ای است.

### الف- قلمرو اعمال قانون جامع ایثارگران

یکی از مهم‌ترین بخش‌های یک قانون تبیین دقیق قلمرو اعمال و تعیین افراد مشمول آن است که متأسفانه عدم پرداختن به آن توسط قانون‌گذار می‌تواند قانونی که می‌توانست مفید واقع گردد، آن را غیر کارآمد نموده و یا مشکلات جدیدی را برای افراد موضوع قانون ایجاد نماید. قلمرو اجرائی از حیث دستگاه‌های مشمول در ماده ۲ این قانون به خوبی تبیین شده است. ماده ۲ قانون مزبور مقرر می‌دارد:

دستگاه‌های مشمول این قانون عبارتند از:

الف- کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرائی مؤسسات و شرکت‌های دولتی و ملی شده تحت پوشش و یا مدیریت دولتی، اعم از این که دارای قوانین و مقررات خاص باشند و یا نباشند، قوه قضائیه اعم از کادر قضائی و اداری و سازمان‌ها و مؤسسات وابسته و تابعه آنها، کانون وکلای دادگستری، کانون‌های کارشناسان رسمی دادگستری، قوه مقننه، نهاد ریاست جمهوری، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، سازمان‌های وابسته و تابعه، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (نظامی و انتظامی)، نهادها و مؤسسات عمومی غیر دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و شرکت‌های تحت پوشش وابسته یا تابعه آنها و کلیه سازمان‌ها و شرکت‌هایی که به نحوی از انحاء از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند و یا قسمتی از بودجه آنها توسط دولت تأمین می‌گردد، بانک‌ها، مؤسسات بیمه‌ای، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، شهرداری‌ها و شرکت‌های تحت پوشش آنان و نیز مؤسسات و شرکت‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، از قبیل سازمان تأمین اجتماعی، شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، سازمان صنایع ملی ایران، شرکت‌های هواپیمایی، سازمان انرژی اتمی، اعضای هیأت علمی و کادر اداری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان و دانشگاه آزاد اسلامی.

ب- سایر دستگاه‌ها و سازمان‌ها و شرکت‌ها و مراکز تولیدی و توزیعی و خدماتی که تحت پوشش قانون کار یا مقررات تأمین اجتماعی و قوانین خاص هستند. (انوری، حسن، ص ۲۸)

این قانون اگر چه از جهاتی واجد نوآوری‌های قابل ملاحظه‌ای در راستای حمایت از این گروه بوده، لیکن از جوانبی دیگر، از جمله شمول آن نسبت به مصداق مختلف ایثارگران دارای ایراداتی است که آن را نمی‌توان به هیچ وجه مصداق یک قانون جامع دانست. توضیح این که کلیه رزمندگان و جانبازان زیر ۲۵٪ در این قانون نادیده گرفته شده‌اند. معلوم نیست قانون‌گذار چه علاقه و یا حساسیتی نسبت به کلمه ۲۵٪ داشته که در هر ماده و یا تبصره‌ای که تسهیلاتی برای ایثارگران گذاشته شده است، جانباز بالای ۲۵٪ و یا جانباز زیر ۲۵٪ را تصریح، تا بر حسب مورد گروهی را از برخورداری حمایت‌های قانونی محروم نماید. تبعیضی که به نظر از هیچ منطق حقوقی برخوردار نیست. با یک مطالعه سطحی در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف درگیر در جنگ به خصوص کشورهای آلمان، فرانسه، اتریش، روسیه و ژاپن مشخص می‌گردد که برخورداری از حمایت‌های قانونی جهت شرکت کنندگان در جنگ با رویکرد عادلانه و بدون تبعیض، تدوین و اجراء می‌گردد. به عنوان نمونه در کشور فرانسه نه تنها بدون هیچ‌گونه قید و شرطی در خصوص میزان آسیب وارده به مجروحان جنگ، کلیه مزایا تعلق می‌گیرد، بلکه علاوه بر همسر و فرزندان، فرزندخواندگان و والدین آنها نیز از این امتیازات برخوردار می‌گردند. حتی کشورهایی مثل اتریش که در صدی را برای برخورداری از این مزایا قائل شده‌اند، این میزان حداقلی است که فرد در واقع مصداق مجروح جنگی تلقی می‌شود و این میزان در کشور اتریش معادل ۵٪ است و هر مجروح جنگی معمولاً این درصد را به خود اختصاص می‌دهد. اگر چه قوانین حمایتی زیادی در خصوص ایثارگران شاغل به تصویب رسیده که در خصوص رزمندگان و جانبازان زیر ۲۵٪ نیز در حال اجراست، لیکن اصلاح ماده ۵۱ قانون جامع و تجمیع آن با مفاد تبصره ۲ ماده ۶۸ قانون خدمات کشوری و تسری آن به کلیه رزمندگان و جانبازان زیر ۲۵٪ به صورت عادلانه و بدون تبعیض و بدون تفکیک که ایثارگر مورد نظر معسر است و یا خیر همچون شاغلین دستگاه‌های اجرائی به نظر ضروری می‌نماید.

## ب- بررسی ماهیتی موضوع

ایثار در معنی گزیدن و تفضیل و برتری نهادن ایثار غیر یعنی او را بر خود مقدم کردن در رسد و نصیب به کار رفته است. همچنین در معنی منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن بذل، کردن عطا کردن و نصیب و غیره و ایثارگر را می‌توان فداکار و از خود گذشته تعریف کرد. در خصوص تعریف ایثارگر، با توجه به معانی لغوی آن، می‌توان چنین بیان نمود که ایثارگر کسی است که از جان یا مال خود در راه دفاع از چیزی یا کسی بگذرد، مانند رزمندگان هشت سال دفاع مقدس.

تبصره ۱ ماده ۱ قانون نحوه‌ی واگذاری سهام دولتی و متعلق به دولت به ایثارگران و کارگران مصوب ۱۳/۵/۷۳ اقسام ایثارگران را رزمندگان داوطلب، آزادگان، جانبازان، خانواده‌ی معظم شهدا، مفقود الاثرها و اسرا دانسته و به شرح ذیل به تعریف هر یک از آنها پرداخته است.

– رزمندگان داوطلب، کسانی هستند که بر اساس گواهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا جهاد سازندگی، حداقل به مدت ۶ ماه به صورت داوطلب در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل حضور داشته‌اند.

– آزادگان، کسانی هستند که بر اساس گواهی مشاور رسیدگی به امور آزادگان در اسارت دشمنان انقلاب اسلامی ایران بوده‌اند.

– جانبازان، کسانی هستند که بر اساس گواهی بنیاد مستضعفان و امور جانبازان در راه به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و حفظ دستاوردهای آن، حداقل به میزان ۱۰ درصد جانباز شناخته شده‌اند.

– خانواده معظم شهداء، مفقود الاثرها و اسراء کسانی هستند که بر اساس گواهی بنیاد شهید، حداقل یکی از اعضای درجه یک خانواده‌ی خود را در راه به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و حفظ دستاوردهای آن به عنوان شهید مفقود الاثر و اسیر تقدیم اسلام نموده‌اند.

در خصوص تعریف دفتر حمایت حقوقی و قضایی ایثارگران باید گفت، مکانی است که کارشناسان دفاتر مزبور در آنجا به انجام امور حقوقی از جمله حضور و دفاع در جلسات دادرسی مشاوره حقوقی تنظیم دادخواست و همچنین ملاقات و رویارویی با موکلین خاص خود و غیره می‌پردازند.

می‌توان گفت که تمامی معانی اصطلاحی ذکر شده با این دفتر قابلیت تطبیق دارد. دفاتر حمایت از منظر ریاست محترم وقت قوه قضائیه حضرت آیت‌الله هاشمی شاهرودی، می‌بایست به اطلاع‌رسانی حقوقی و ارتقاء سطح دانش و اطلاعات حقوقی این قشر که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است بیشتر جامع عمل ببوشانند.

### بند دوم: خدمات حقوقی و قضایی قانون جامع ایثارگران

یکی از خدمات قابل ارائه خدمات حقوقی و قضایی موضوع ماده ۵۸ قانون جامع خدمت رسانی به ایثارگران است که مقرر می‌دارد: «وزارت دادگستری با همکاری قوه قضائیه نسبت به ارائه خدمات حمایت قضایی از خانواده، شاهد جانبازان بیست و پنج درصد و بالاتر و آزادگان در مراجع قضایی جهت دفاع و استیفای حقوق آنان اقدام نماید. این ماده نیز از این جهت که جانبازان زیر بیست و پنج درصد را از برخورداری خدمات حقوقی و قضایی محروم نموده، به نظر قابل ایراد می‌رسد. در واقع حمایت‌های حقوقی و قضایی بیشتر جنبه معنوی دارد و در این صورت نباید درصد جانبازی مؤثر باشد. از حیث خدمات قضایی باید توجه داشت که به موجب تبصره ۲ شکایات مربوط به ایثارگران مشمول این ماده در خصوص عدم اجرای این قانون در کمیسیون ماده ۱۶ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی قابل طرح است. به موجب ماده ۱۶ قانون مزبور بنیاد مجاز است با موافقت ولی فقیه یا نماینده وی کمیسینی را به نام کمیسیون رسیدگی به شکایات جانبازان با عضویت دو نفر از بنیاد یک نفر از سازمان امور اداری و استخدامی کشور یک نفر از وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، یک نفر از وزارت کار و امور اجتماعی و یک نفر از دستگاه ذیربط تشکیل و حسب مورد نسبت به رسیدگی به شکایات جانبازان از عدم اجرای صحیح این قانون در دستگاه مربوط اقدام نماید. تصمیمات کمیسیون مزبور قطعی و لازم الاجرا بوده و عدم اجرای به موقع آن خلاف قانون محسوب و قابل تعقیب در مراجع ذی صلاح می‌باشد. با این وجود در نهایت در صورت اعتراض امکان بهره‌مندی ایثارگران از خدمات قضایی برقرار می‌شود. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۹۱ مقرر نمود، با توجه به احکام مقرر در تبصره ذیل بند ۵ از ماده ۲ قانون تسهیلات استخدامی و اجتماعی جانبازان انقلاب اسلامی مصوب سال ۱۳۷۴ و ماده ۱۶ قانون مذکور که رسیدگی به شکایات جانبازان از عدم اجرای قانون را در صلاحیت کمیسیون موضوع این ماده قانونی می‌داند، در صورتی که تصمیم کمیسیون مورد اعتراض واقع شود، رسیدگی در صلاحیت دیوان عدالت اداری است. (پایگاه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷، ص ۱۴)

در نهایت می‌توان خدمات حقوقی و قضایی را به شرح ذیل احصاء نمود:

رسیدگی خارج از نوبت کلیه دعاوی مسئله رسیدگی خارج از نوبت دعاوی در فرآیند دادرسی حقوقی و کیفری، امری استثنائی قیدی بر قاعده و اصل روند عادی رسیدگی است که به لحاظ دادن وصف استثنائی به آن، به مواردی معین محدود می‌شود. از آنجا که مراد قانون‌گذار حمایت از این قشر خاص اجتماعی بوده، آنها را به مثابه جلوه‌ای از موارد استثنائی حاکم بر فرآیند دادرسی تلقی کرده و رسیدگی به کلیه دعاوی آنها را در کلیه مراحل دادرسی خارج از نوبت انگاشته است.

با عنایت به اطلاق کلیه دعاوی شامل همه دعاوی کیفری و حقوقی می‌شود. به علاوه نظر به اطلاق عبارت مزبور در دعاوی مطروحه، مضمولین می‌توانند از یک سو شاکی یا خواهان و از سوی دیگر متشاکی یا خوانده باشند. این در حالی است که با عنایت به عنوان حمایتی قانون موصوف رسیدگی به کلیه دعاوی که مضمولین آن در مقام شاکی و خواهان باشند مورد نظر بوده است. هم‌چنین رسیدگی به کلیه دعاوی مضمولین این قانون مربوط به تمامی مراحل دادرسی است.

تعیین شعب اختصاصی به منظور رسیدگی به امور محجورین و کلیه امور حسبی و دعاوی خانواده و مسائل حیثیتی مرتبط با ایثارگران، قوه قضائیه موظف به تعیین شعب اختصاصی در دادگستری کشور شده است. لذا باید توجه داشت که این شعب اختصاصی صرفاً در خصوص این مسائل صالح به رسیدگی بوده و در موارد دیگر دادگاه‌های صالح رسیدگی به دعاوی مرتبط با این افراد، غیر از شعب مزبورند.

ایثارگری و عامل مخففه: نظام‌های کیفری به مثابه بازوی نوین سیاست جنائی کشورها به کیفیات کاهنده و فزاینده (مخففه و مشدده) متوسل شده‌اند که فراخور شرایط و اوضاع و احوال مادی و روانی عاطفی مرتکب، پاسخی شدید یا سبک، اتخاذ وی تحمیل کند. لذا، ایثارگری در واقع در زمره عوامل مخففه محسوب شده و قضات در صدور احکام کیفری مکلف به رعایت آن می‌باشند. لیکن به نظر می‌رسد که اعمال این کیفیت کاهنده در جرائم عمدی صرفاً محدود به جرایم تعزیری باشد؛ که ماهیتاً دارای حد ثابتی نیستند. زیرا جرائم حدی و قصاص جرائمی با کیفیتهای ثابت هستند که از سوی شارع مقرر شده است (پایگاه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۷، ص ۱۴).

## گفتار دوم: تحلیل بهره‌بری ایثارگران

### بند اول: جنبه‌های مثبت رعایت توازن در بهره‌بری ایثارگران

بر اساس پژوهشی در سال ۱۳۹۸، بالغ بر ۱۲۰ عنوان مصوبه تقنینی یا شبه تقنینی در مورد ایثارگران از آغاز انقلاب اسلامی تا آن زمان، وضع شده است. تنها یکی از آنها، قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب سال ۱۳۹۱ با ۷۶ ماده است که امتیازات متعددی را در حوزه مسکن، بهداشت و درمان، اداری و استخدامی، اشتغال و کارآفرینی، آموزشی و فرهنگی، و معیشتی و رفاهی برای آنها قرار داده است. روند تقنین در این زمینه هم‌چنان بعد از سال ۱۳۹۸ تا کنون ادامه داشته است.

وضع امتیاز برای ایثارگران در نظام جمهوری اسلامی کمتر مورد پژوهش فقهی و حقوقی و نیز بررسی میدانی و اجتماعی قرار گرفته است. گویا تصور دولت‌مردان و قانون‌گذاران که در بیشتر مواقع گرفتار تعارض منافع هستند، این گونه است که حد و مرزی برای قدردانی از ایثارگران و خانواده‌های آنها وجود ندارد و نظام هر قدر به آنها خدمت رسانی کند، باز هم مدیون آنها است. این پیش فرض عاطفی و احساسی که فاقد عقلانیت فقهی و حقوقی است، زمینه را برای زیاده‌روی در وضع قوانین و مقررات در این موضوع فراهم کرده است.

از منظر فقهی، وضع امتیازات برای ایثارگران فقط در قالب جبران خسارت برای ایثارگر و خانواده او یا دستمزد دوران نبرد و اسارت و متناسب با آن دو، قابل دفاع است و صرف سابقه جنگ و ایثارگری سبب برخورداری بیشتر از بیت‌المال عمومی نمی‌شود. بیش از ۳۰ روایت در منابع مختلف روایی آمده است که گویای این است که بیت‌المال باید به مساوات میان مردم تقسیم شود. این روایات به صراحت یا به اشاره ناظر به سیره امام علی (ع) است که بعد از تشکیل حکومت، مقررات وضع شده توسط دو خلیفه قبل را در راستای بهره‌مندی بیشتر برخی مردم از بیت‌المال به سبب سابقه در جهاد یا مسلمانی، طرد کرد.

خلیفه دوم بر این باور بود که هر کس جهاد و تلاش بیشتری برای گسترش اسلام کرده و یا زودتر مسلمان شده است باید سهم بیشتری از بیت‌المال داشته باشد. او نظامی در پرداخت بیت‌المال طراحی کرد که به "نظام عطا" شناخته می‌شد. نظام عطا مربوط به بخشی از بیت المال بود که بلاعوض به مردم پرداخت می‌شد. پس از او خلیفه سوم نیز همین راه را ادامه داد. (الموسوعة الفقهية الكويتية، ج ۳۰، ص ۱۵۰)

برخی از مقررات نظام عطا بدین قرار بود: شرکت کنندگان در جنگ بدر که نخستین جنگ مسلمانان با مشرکان بود، سالانه پنج هزار درهم دریافت می‌کردند. آنان که در فاصله میان بدر و حدیبیه (سال ششم هجرت) اسلام آوردند، چهار هزار درهم سهم داشتند. مسلمانان بعد از حدیبیه تا پایان جنگ‌های رده در سال ۱۲ هجرت، سه هزار درهم دریافت می‌کردند و نو مسلمانان دویست درهم. (تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۰۸ - ۱۱۲)

امام علی علیه السلام هنگامی که مردم او را برای خلافت برگزیدند، با این شیوه مخالفت و به شیوه پیامبر (ص) که تقسیم مساوی بیت المال بود، عمل کرد. او بر این باور بود که مجاهدان و سابقان در اسلام، پاداش خود را باید در آخرت تمنا کنند و آنها در دنیا از هیچ حقوق ویژه‌ای نسبت به سایر مسلمانان برخوردار نیستند و آحاد مردم، اعم از صحابی و غیر صحابی، مجاهد و غیر مجاهد، مولی و عبد، عرب و عجم، و سیاه و سفید سهمی یکسان از بیت المال دارند. او، سهم فرزندان خود حسن و حسین (ع) را که نوادگان پیامبر (ص) بودند، با سهم بردگان سیاه یکسان قرار داد. (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۷، ص ۳۶ - ۴۲؛ بحار الانوار، ج ۳۲، ص ۱۶)

امام علی (ع) در اولین سخنرانی خود به بیعت کنندگان با خویش گوشزد کرد که هر کس از مهاجر و انصار که خود را به جهت هم‌صحبتی با پیامبر (ص) برتر از دیگران می‌شمارد، باید بداند که برتری آشکار مربوط به فردای قیامت و نزد خداوند است و پاداش و اجر آن را خدا خواهد داد و هر کس، دعوت خدا و پیامبر (ص) را پذیرفت و به دین ما درآمد و رو به قبله ما ایستاد، مستحق حقوق و حدود اسلام است. شما بندگان خدایید و مال، مال خدا است و میان شما برابر بخش خواهد شد و هیچ کس را در آن بر دیگری برتری نیست. (طوسی، امالی، ص ۷۲۸)

بدین سان، امام علی (ع) بیت المال را بر همگان یکسان تقسیم کرد و امتیازات ویژه را لغو نمود. این شیوه امام، سبب مخالفت و اعتراض طبقه اقلیتی قرار گرفت که پیش از این، سهمی ویژه از بیت المال داشتند. امام در پاسخ به معترضان فرمود:

«مرا فرمان می‌دهید تا پیروزی را با ستم کردن درباره مردمی که والی آنها هستم بجویم؟ به خدا که نپذیرم تا جهان سرآید، و ستاره‌ای در آسمان پی ستاره‌ای برآید. اگر مال از آن من بود، همگان را برابر می‌داشتم که چنین تقسیم سزا است؛ تا چه رسد که مال، مال خدا است. بدانید که بخشیدن مال به کسی که مستحق آن نیست، با تبذیر و اسراف یکی است.» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶، ص ۱۴۶) از امام صادق (ع) درباره تقسیم بیت‌المال سؤال شد. آن حضرت فرمود: مسلمانان فرزندان اسلام‌اند، میان آنها در "عطا" (بخشش بیت‌المال) مساوات قرار می‌دهم. فضیلت‌ها و برتری‌های آنها میان خودشان و خدا است. آنها را مانند پسران یک پدر قرار می‌دهم که هیچ‌یک از میراث پدر به جهت صلاح و فضیلت بر دیگری که ناقص و ضعیف است، سهمی بیشتر نخواهد داشت. این سیره پیامبر (ص) در آغاز بود؛ اما آن دیگری گفت: کسانی را که خداوند به جهت سبقت در اسلام و دشواری‌های پذیرش اسلام برتری داده است در "عطا" مقدم می‌کنم و آنها را مانند ذوی الارحام قرار می‌دهم که بعضی به جهت نزدیکی به میت از دیگران سهمی بیشتر از میراث می‌برد و عمر چنین کرد. (تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۱۴۶) بسیاری از فقهای گذشته و معاصر که به نقل و بررسی این روایات پرداخته‌اند. مانند فیض کاشانی، علامه مجلسی، صاحب جواهر، آیت الله منتظری و آیت الله مکارم شیرازی از این روایات، این گونه برداشت کرده‌اند که کسی به جهت سبقت در اسلام یا جهاد و مانند این امور، سهم بیشتری از بیت المال نمی‌برد و حاکم موظف است بعد از صرف بیت‌المال در امور ضروری، مانند هزینه‌های جاری و عمرانی مورد نیاز جامعه و نیز رفع نیازهای اولیه و ضروری اقشار نیازمند، بیت‌المال را به مساوات میان مردم تقسیم کند. حکم به مساوات در مورد این گونه امتیازات ناروا، منافاتی با حکم به عدم مساوات در مورد امتیازاتی که از نظر عقل و شرع در تقسیم بیت‌المال پسندیده است، ندارد. یکی از امتیازات تأثیرگذار، جبران خسارات ناشی از جنگ است. حکومت، موظف است خسارات ایثارگرانی را که به سبب جنگ گرفتار آسیب‌های مالی یا بدنی شده‌اند، عادلانه جبران نماید. بدیهی است، کسی که در جنگ دچار نقص عضو دائمی شده یا سال‌ها در اسارت بوده است، باید به مقدار آسیبی که متحمل شده و نیز آسیب‌هایی که تا پایان عمر متحمل خواهد شد، از امتیازاتی متناسب برخوردار باشد. همچنین خانواده‌ای که به سبب شهادت یا جانباز شدن سرپرست خانواده، در تأمین معاش خود آسیب دیده است، می‌بایست متناسب با آسیب وارد شده، سهم بیشتری از بیت‌المال داشته باشد. از این رو، وضع قوانین و مقررات برای امتیازات ایثارگران تا زمانی که در راستای تأمین نیازهای اولیه آنها یا جبران خسارات وارد شده بر آنها باشد، قابل دفاع است؛ اما اگر صرفاً به جهت برتری دادن اقشار حاضر در جنگ و مدافع انقلاب، بر سایر اقشار جامعه در بهره‌مندی از بیت‌المال باشد، با پیام این روایات سازگار نیست.

### بند دوم: پیامدهای منفی بهره‌بری نامتوازن ایثارگران

وضع امتیازات ناروا برای ایثارگران دارای پیامدهای نامطلوبی در صحنه جامعه است که علاوه بر ادله روایی که در بخش اول و دوم این نوشتار گذشت، موجب حکم به حرمت آن خواهد شد. برخی از آنها بدین قرار است:

#### الف- طرد متخصصان و مستعدان

امتیازات ایثارگران در برخی حوزه‌ها، مانند سهمیه در نظام آموزشی یا استخدامی می‌تواند موجب طرد استعدادها و درخشان و افراد متخصص شود و در نهایت، جمع قابل توجهی از افراد خوش استعداد از نظام آموزشی حذف شوند و نظام شایسته‌سالاری مختل گردد و امکانات آموزشی در اختیار کسانی قرار گیرد که شایستگی لازم را ندارند. این مشکل، ممکن است در نظام استخدامی نیز رخ دهد و موجب شود که افراد متخصص و توانا کنار گذاشته شوند و نیروهای ناتوان، جای آنها را بگیرند. نظام استخدامی - حتی در سطح مدیریت - می‌بایست بر دو پایه تخصص و تعهد بنا شود. مقصود از تخصص، دانش و تجربه لازم در حوزه‌ای است که فرد برای آن استخدام شده است و مقصود از تعهد، پای‌بندی فرد به انجام درست وظایف محوله است. تعهد به عنوان شرط اصلی برای استخدام، هیچ ربطی به طور مستقیم به سابقه جهاد بلکه ایمان و تدین فرد ندارد. سابقه جهاد فقط در موارد استخدامی مربوط به امور نظامی می‌تواند گویای دانش و تجربه فرد باشد و در سایر موارد استخدامی نقشی در تخصص و تعهد او ندارد. هرگونه تخطی در نظام استخدامی - به خصوص در سطح مدیران - از دو شرط تخصص و تعهد به معنایی که ذکر شد، موجب تقدیم مرجوح بر راجح و در نتیجه آسیب به جامعه در حوزه عملکرد فرد استخدام شده است.

### ب- تجمیع ثروت و قدرت در گروهی خاص

برخی امتیازات ایثارگران یا افراط در آن ممکن است به تدریج و در طول زمان، موجب شکل‌گیری طبقه‌ای خاص در جامعه شود که به سبب رانت‌هایی که این امتیازات برای آنها ایجاد کرده است اهرم‌های قدرت و ثروت را به دست گیرند و طبقه‌ای نوپیدا از اشراف را به وجود آورند. این طبقه، با میل به انحصارطلبی، می‌تواند مانع هر گونه حرکت اصلاحی برای توزیع عادلانه ثروت و قدرت در سطح جامعه شود. مخالفت گروهی از بزرگان صحابه و مجاهدان صدر اسلام با امام علی (ع) در برقراری اصل مساوات در تقسیم بیت‌المال، شاهدهی روشن در تاریخ مسلمانان برای شکل‌گیری این طبقه از اشراف در جامعه و پایداری آنها در مخالفت با عدالت علوی بود.

### ج- ایجاد فرصت‌های نابرابر و از بین رفتن فضای رقابت

وضع امتیازات نامناسب برای ایثارگران در حوزه اقتصاد، فرهنگ، هنر، آموزش و سایر حوزه‌های اجتماعی می‌تواند فضای رقابت سالم را که لازمه پیشرفت و رشد در یک جامعه است از بین ببرد و کسانی را که از این امتیازات محروم هستند در موقعیت نابرابر با بهره‌مندان از این امتیازات قرار دهد.

### د- بدبینی نسبت به دین، انقلاب و فرهنگ ایثارگری

همان‌طور که این امتیازات در صورتی که به گونه معقول و متعادل اعطا شود، می‌تواند به ترویج فرهنگ ایثارگری کمک کند، اگر در آنها افراط گردد یا در حوزه‌های نامناسب اعطا شود، نتیجه معکوس خواهد داشت و موجب بدبینی مردم به دین، انقلاب و فرهنگ ایثارگری می‌گردد. در نهایت، این نگاه در مردم شکل می‌گیرد که حکومت، میان اشرار جامعه فرق می‌گذارد و امکانات مالی، آموزشی، استخدامی و غیره را در اختیار طرفداران خود قرار می‌دهد تا ضامن بقای آن باشند.

### هـ - ترویج فرهنگ ریا و فرصت‌طلبی

امتیازات ایثارگران می‌تواند موجب از بین رفتن روحیه اخلاص و از خود گذشتگی در بین اقشاری از جامعه شود و سبب شود بسیاری از مردم به طمع بهره‌مندی از این امتیازات به گونه‌ای خود را در صف ایثارگران جای دهند یا تظاهر به ایثارگری کنند.

نگارنده مقاله‌ای فقهی در موضوع امتیازات ایثارگران نگاشته است که بخش‌هایی از آن در این سه نوشتار به اختصار آمده و هنوز موفق به نشر آن در نشریات علمی نشده است.

مبانی فقهی حقوق اسلامی

### بند سوم: تحلیل تعدیل گرایانه بهره‌بری ایثارگران از بیت المال

بر اساس سیره رسول اکرم (ص) و علی (ع) آیا پیشگامان در اسلام و جهاد یا فرزندان و همسران شهدا از امتیازات ویژه برخوردار بودند؟

#### پاسخ اجمالی

ممکن است افرادی از نظر معنوی و ارزش، در پیشگاه پروردگار در درجه و رتبه‌ای متفاوت با افراد دیگر قرار داشته باشد. اما همه اقشار جامعه از حقوق یکسانی نسبت به بیت‌المال برخوردارند. تنها در مواردی که افرادی به عنوان کارگزار، وظیفه‌ای را برعهده می‌گیرند، بر بیت‌المال واجب است که حق الزحمه آنان را بپردازد و زندگی آنان را در حد متعارف تأمین نماید، و اگر در این مسیر دچار ضررها و خسارت‌هایی شدند، بیت‌المال و نظام اسلامی از هر راهی که مناسب می‌داند باید خسارات آنان را جبران نماید و از زحمات آنان قدردانی کند. همان‌طوری که در صدر اسلام بعد از آن‌که خمس غنائم جنگی جدا می‌شد، مابقی را بین مبارزان و مجاهدانی که در جنگ حضور داشته‌اند، تقسیم می‌کردند. در زمان ما که غنائم جنگی به صورت صدر اسلام نیست، باید از راه دیگری تأمین شود. زیرا این کار، علاوه بر ادای حق آنان، موجب گسترش روحیه ایثارگری، و در نتیجه سلامت و امنیت جامعه خواهد بود.

#### پاسخ تفصیلی

شکی نیست که افراد یک جامعه در پیشگاه پروردگار در یک سطح نبوده و در درجات متفاوت و متعددی قرار دارند و گاهی این درجات موجب برخورداری از امتیازاتی می‌شود. امتیازات بر دو قسم است مادی و معنوی. منظور از امتیازات معنوی، اجر و پاداش اخروی و درجات قرب الهی است که خداوند می‌فرماید: خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد. (هود، ۱۱۵؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ)

اما امتیازات مادی به دو صورت قابل تصور است: ۱- حقوقی که هر فردی از جامعه نسبت به بیت المال دارد. ۲- حقوقی که قشر خاصی از جامعه که به کار مخصوصی اشتغال دارند و سزاوار دریافت مزد و مزایایی هستند نسبت به بیت‌المال دارند.

اسلام در امتیازات مادی به پیشگامان در اسلام و جهاد و شهدا و خانواده‌های آنان، نیز با همین دید نگرسته است. پس در حقوق نوع اول همه اقشار جامعه را یکسان و برابر دانسته و بی هیچ تبعیضی بیت‌المال را متعلق به همه آحاد جامعه می‌داند و چنان‌که از روایات بر می‌آید، سیره رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) بر این منوال بوده است که بیت‌المال را به طور مساوی بین تمام اقشار جامعه تقسیم می‌نمودند. همان‌طور که در روایات آمده است که عده‌ای از خیر خواهان

نزد امام علی (ع) رفتند و از آن حضرت تقاضا کردند برای مدتی سهم رؤسا و اشراف از بیت‌المال را بیشتر کند تا مطیع باشند و زمانی که حکومت و قدرت تثبیت شد، آن‌طور که خدا دستور داده، با عدالت با آنان رفتار شود. حضرت در پاسخ فرمودند: ... به خدا قسم اگر بیت‌المال، مال خود من هم بود، آن را مساوی بین مردم تقسیم می‌کردم، چه رسد به این که آن مال خود آنهاست. (شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۰۵)

هم‌چنین از امام صادق (ع) در مورد تقسیم بیت‌المال سؤال شد، فرمودند: اهل اسلام فرزندان اسلامند من در عطاء مساوات برقرار می‌کنم و فضائل آنها میان خودشان و خدایشان است. همچون مردی که فرزندی دارد، ولی در میراث، هیچ یک از آنها را به دلیل فضل و شایستگی که در اوست، بر دیگری که از او ضعیف‌تر و پایین‌تر است، برتری نمی‌دهد. حضرت در ادامه فرمود: سیره رسول اکرم (ص) نیز در بدو امر در مورد تقسیم بیت‌المال چنین بوده است، ولی دیگران می‌گویند: ما مقدم می‌کنیم در عطاء آن کسی را که خداوند او را در سابقه اسلامش فضیلت داده است، چنان که در میراث هم چنین است که برخی بیشتر از میت ارث می‌برند. عمر نیز چنین می‌کرد. (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام ج ۶ ص ۱۴۶)

احادیث دیگری نیز در این باب در تایید این مطلب وجود دارد که از ذکر آنها صرف نظر می‌کنیم.

پس از مجموع روایات به دست می‌آید که در سیره رسول اکرم (ص) و علی (ع) و دیگر ائمه (ع) همه آحاد جامعه چه افراد با تقوا و سابقه دار و فعال در امور جامعه اسلامی چه غیر آنها حقوق یکسانی نسبت به بیت‌المال دارند.

البته در جامعه اسلامی همواره عده‌ای به عنوان کارگزار حکومت اسلامی در خدمت نظام هستند که باید از بیت‌المال حقوق آنان تأمین و زندگی‌شان اداره گردد. همان‌طوری که در صدر اسلام، بعد از آن که خمس غنائم جنگی جدا می‌شد، ما بقی را بین مبارزان و مجاهدانی که در جنگ حضور داشته‌اند تقسیم می‌کردند. (شیخ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۴۳، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۲۸)

باتوجه به این که امروزه امکان تقسیم غنائم جنگی نیست، سزاوار است امتیاز و پاداش دیگری برای رزمندگان جنگ در نظر گرفته شود که جایگزین غنائم جنگی باشد و تقریباً با آن برابری کند. هم‌چنین اگر احیاناً در مسیر انجام وظیفه دچار ضررها و خساراتی شدند، باید بیت‌المال و نظام اسلامی، خسارات آنان را جبران نماید. مثل جایی که فرزندان و همسران رزمندگان، بی‌سرپرست مانده‌اند، بیت‌المال باید متکفل هزینه‌های آنان شود. زیرا در غیر این صورت، خلاف عدالت، و ظلم خواهد بود.

شیخ طوسی (ره) که از پیش‌گامان در فقه و استاد همه فقهای بزرگ است، اصل چنین وظیفه‌ای را برای بیت‌المال مسلم دانسته و فرموده است: اگر رزمنده‌ای بمیرد یا کشته شود و فرزندان یا همسری باقی گذاشته باشد، مخارجشان از بیت‌المال داده می‌شود نه از غنیمت. (شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۷۳)

از این کلام استفاده می‌شود که جبران خسارت‌هایی که رزمندگان و مجاهدین در مسیر جهاد و دفاع از اسلام متحمل شده‌اند، بر عهده بیت‌المال و نظام اسلامی است.

در نظام جمهوری اسلامی، برای کسانی که در سال‌های مبارزه با رژیم شاهنشاهی و بعد آن در مبارزه با عوامل استکبار جهانی (صدام، منافقین و...) متحمل خسارت‌هایی شده‌اند، امتیازاتی در نظر گرفته شده است که تنها اداء بخشی از

حق آنان است. علاوه بر این، می‌توان گفت تشویق افراد جهادگر و مبارز فقط به نفع خود آنها نیست، بلکه کل جامعه در این ماجرا ذی نفع‌اند. چون تشویق چنین افرادی، موجب گسترش روحیه ایثارگری و خدمت، و در نتیجه، سلامت و امنیت جامعه خواهد بود که اگر نظام اسلامی به این تکلیف عمل نکند، در حق جامعه ظلم کرده است.

در خصوص مبانی اصلی و مهم اعطای امتیاز به ایثارگران، باید بیان داشت که بعضی از مبادی در ارتباط با اصول مبانی حقوق اسلامی بین‌المللی است و برخی منطبق با عدالت و سیره عقلا و برخی دیگر نیز، از قواعد فقهی محض بهره می‌برند، در این میان، جمع مبادی نظریه پردازی نیز می‌تواند جامع بررسی و اعتباربخشی به حقوق ایثارگران در حوزه امتیازات و تأمین مالی باشند.

لذا مبانی فقهی آن شامل الخراج بالضمان، مبنای ملازمه شیء نسبت به منافع آن، مبنای لزوم عدم ظلم و استفاده از ظرفیت‌های کهنه سربازان معرفی می‌گردد. در خصوص کارایی هر یک از مبانی ذکر شده، باید گفت که در اینجا این مبادی، نسبی هستند و امکان توافق بر خلاف اقتضائات ذکر شده وجود دارد. لذا اگر جانبازی خود از بهره‌بری مزایا انصراف دهد، این نشانه از قواعد فقهی متغیر دارد و نسبت به هر شخص موقعیت‌سنجی خاص خود را دارد.

از طرفی نیز قواعد دیگر از جمله لزوم عدم ظلم و همچنین استفاده از ظرفیت‌های کهنه سربازان نظام جمهوری اسلامی، می‌تواند موقعیت نافع ایشان را متبلور سازد.

تدوین نظام پرداخت دستمزد و زیر سیستم ارزیابی عملکرد است که در آن، یکی از عوامل و ویژگی‌های برجسته فردی مطرح «تلاش و ایثارگری در راه حفظ کیان نظام جمهوری اسلامی ایران»، مؤثر در ارزیابی شاغل شده است. بر این اساس می‌توان این مزیت و عامل را در مدیریت جذب و استخدام به عنوان اولویت نیز در نظر گرفت و این مبانی نظری با مبانی فقهی اولویت‌های استخدامی ایثارگران ارتباط معنی‌داری دارد؛ چراکه مبتنی بر بنای عقلا است و بنای عقلا به عنوان یکی از دلائل استنباط احکام در استدلالات فقهی است.

در بعضی از آیات شریفه، اجر و پاداش اخروی مجاهدان نسبت به وانشستگان بیشتر بیان شده است. بنابراین در نظام اداری کشور اسلامی، که با قوانین اسلامی و ولایت و رهبری فقیه، اداره می‌شود و نظام آن باید بر وفق مراد شارع مقدس قدم بردارد، شأن و منزلت این افراد ارزشی باید طوری باشد که مزیت‌ها و اولویت‌های آنان لحاظ شود؛ به عبارتی، آیات قرآنی بر فضیلت و برتری دنیوی و اخروی مجاهدان و رزمندگان راه حق دلالت دارد و این فضیلت و شایستگی در صورتی که موجب رضوان باری‌تعالی و برخورداری از اجر و پاداش و ورود به بهشت برین است، رعایت اولویت‌های استخدامی آنان در نظام اداری حکومت اسلامی به طریق اولی خواهد بود. بعضی از روایات بر برتری و یا وعده نیک و پاداش الهی و رضوان باری‌تعالی از مجاهدان (رزمندگان) دلالت دارد و این کرامت موعود در نتیجه اطاعت از اوامر پروردگار و عمل با فضیلت جهاد و ایثار است؛ بنابراین بر مبنای این دسته از روایات، فضیلت و برتری و صلاحیت و شایستگی و اولویت این افراد در این دنیا هم به دست می‌آید.

پس از بررسی و غور در گزاره‌های دینی و منابع فقهی (مستفاد از قرآن، سنت، اجماع و عقل) به دلایلی دست می‌یابیم که مبانی اولویت استخدای را برای ایثارگران ثابت می‌کند؛ بنابراین اختصاص این گونه امتیازها نه تنها واجد دلیل است، بلکه به نظر می‌رسد در بعضی زمینه‌ها از مصداق‌های اجرای عدالت است که در سیره و مدیریت نبوی و علوی سابقه آن غیر قابل انکار است. از جمله نتایج پژوهش آن است دو دسته حقوق برای ایثارگران در قرآن کریم و روایات اسلامی مورد لحاظ قرار گرفته است یک دسته گروه معنوی و یک دسته گروه حقوق مادی. از آیات ۹۵ سوره نساء، ۱۱۱ سوره توبه، ۱۲۰ سوره توبه استنباط می‌گردد که از نظر شارع مقدس باید ایثارگران و مجاهدان فی سبیل الله در جامعه گرامی داشته شوند و مورد احترام و تکریم قرار گیرند. شاید بتوان بخشی از تکریم و گرامی‌داشت مقام شامخ مجاهدین و ایثارگران را با جبران خسارت‌های جسمی و مادی که به آنها وارد شده است ترمیم کرد و اعطای «اجر مادی» منافاتی با اجر معنوی ندارد چرا که اساساً هیچ چیز جایگزین «اجر معنوی» ایثارگران نزد خداوند متعال نمی‌گردد؛ لکن این بدان معنا نیست که جامعه، کارگزاران و حکومت اسلامی نسبت از تکریم معنوی و مادی ایثارگران غفلت بورزد. چرا که مجاهد و ایثارگر در راه خدمت به جامعه متحمل آسیب‌های جسمی و مادی شده است و اکنون این جامعه و حکومت است که باید پاسخ‌گوی غرامت این از خودگذشتگی و جان‌فشانی باشد. بنابراین از مذاق شریعت چنین استنباط می‌گردد که تکریم و بزرگداشت ایثارگران امری مطلوب نزد پروردگار است، لکن شیوه‌های اجرای این تکریم به عقلا و حکومت اسلامی سپرده شده است تا با انتخاب بهترین شیوه‌ها مجاهدان فی سبیل الله را تکریم نمایند.

## منابع و مأخذ

۱. جبعی العاملی، زین‌الدین بن علی «شهید ثانی» ۱۳۹۳، حاشیه الارشاد، ج ۱، قم، ایران، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. جعفری لنگرودی، محمد جعفر ۱۳۷۸، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱، چ ۱، تهران، ایران، گنج دانش.
۳. حسینی عاملی، سید محمدجواد، ۱۴۱۹ق، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، ج ۱۲، چ ۱، قم، ایران، مؤسسه نشر اسلامی.
۴. شهید اول، محمدبن مکی ۱۳۹۸، القواعد و الفوائد، ج ۲، قم، ایران، مجمع ذخائر اسلامی.
۵. شهید ثانی، زین‌الدین علی ۱۴۲۳ق، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۱، قم، ایران، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۶. کاشف الغطاء، عباس بن علی ۱۳۸۷، مورد الانام فی شرح شرایع الاسلام، قم، ایران، مؤسسه فرهنگی تبیان.
۷. محقق حلی، جعفر بن حسن ۱۳۸۵، شرایع الاسلام، ج ۵، قم، ایران، بنیاد معارف اسلامی.
۸. موسوی خمینی، سید روح‌الله ۱۴۰۹ق، تحریر الوسیله، ج ۲۱، قم، ایران، دفتر انتشارات اسلامی.
۹. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵.
۱۰. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایه و النهایه، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
۱۱. امام خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ پنجم، ۱۳۸۹ش.
۱۲. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۲ش.
۱۳. ایرنا، ۱۳۹۷/۱۲/۲۱ش.
۱۴. پایگاه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، سامانه قوانین، ۱۳۹۷/۱۲/۲۰ش.
۱۵. جام جم، روزنامه، ۱۳۹۱/۱۲/۲۱ش.
۱۶. درفشی، امرالله، سایه روشن: بررسی حقوق شهدا و مصدومین دفاع مقدس از دیدگاه فقه و حقوق با رویکرد دول مدخله‌گر، تهران، زیتون سبز، چاپ اول، ۱۳۹۵ش.
۱۷. دهخدا، علی‌اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ش.
۱۸. رفیق‌دوست، محسن، مصاحبه، چاپ‌شده در پابه‌پای آفتاب، تدوین امیررضا ستوده، تهران، پنجره، چاپ اول، ۱۳۸۰ش.
۱۹. عنبري، موسی و قاسم اویسی فردویی، چالش‌های فرهنگی و هویتی جانبازان جنگ تحمیلی، مجله مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۴۱، تهران، ۱۳۹۱ش.
۲۰. قاسم‌پور، داوود، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، چاپ‌شده در فرهنگنامه نهادهای انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ش.
۲۱. متقی هندی، علاء‌الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح بکری حیانی و صفوة السقاء، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، ۱۴۰۹ق.

۲۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، دوره اول، ۱۰ دی ۱۳۵۹، مندرج در روزنامه رسمی مذاکرات، شماره ۱۱۸۲۴ جلسه ۹۲.
۲۳. معاونت بهداشت و درمان، آشنایی با قوانین کمیسیون پزشکی جانبازان، بنیاد شهید و امور ایثارگران، مرکز بهداشت روانی با همکاری کمیسیون پزشکی، ۱۳۹۱ ش.
۲۴. معاونت پشتیبانی و خدمات رفاهی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، مجموعه قوانین و مقررات موضوعی جانبازان، شهید، مفقودین و اسرا، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.
۲۵. مهوری، محمدحسین، جانبازان و زمامداران وظایف متقابل، تهران، سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۲۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر، کارنامه و خاطرات، سال ۱۳۵۹، انقلاب در بحران، به اهتمام عباس بشیری، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

